



سینمای مصنوعی

حساسن که خود هنرمندا درست کار نکردن و بیشتر فیلم بازی کردن تا پول بیشتری بگیرن، نه کار فرهنگی واقعی. اگه روی اقتصاد مردم حساسن که خوداین هنرمندا کلی پول رومیزی و زیرمیزی و معاف از مالیات و اینا از کلی نهاد دولتی و شبه دولتی و یک شبه خصوصی و اینا توی این اقتصاد معیوب و بیمار گرفتن. بعد استوری می‌ذارن: هم وطن، جلو این اقتصاد بیمار و فرهنگ غلط خاموش مشین! بعد خودشون خاموش می‌شن توی پنت هاوس ها و ویلاهای داخل و خارج کشور! فرد مربوطه مبهوت به من نگاه کرد و شروع به کف زدن کرد و گفت: «آفرین. تو برای نقش اول فیلم سال بعد من عالی هستی! چه مونولوگی گفتی!» گفتیم: «مگه تو به نگهبان ساده نیستی؟» گفت: «بوم!» امسال چندتا مسئول اومدن، به بودجه تپل گرفتیم و استعدادم کشف شد تا سال بعد فیلم اولم رو بسازم! می‌خوای توی این وضعیت تحریم فیلم سازا نساازم و کشور درگیر تهاجم فرهنگی بشه؟! گفتیم: «نه، بساز! ما هم داریم با شما می‌سازیم!»



چون من را در کودکی به هیچ جا دعوت نمی‌کردند، تصمیم گرفتم بزرگ که شدم، بدون دعوت به هر جایی خواستم، بروم. این هفته تصمیم گرفتم بروم نشست خبری جشنواره فیلم فجر. رفتم داخل سالن، دیدم یک میز گذاشته‌اند و روی آن چند میکروفن و چند بطری آب معدنی قرار داده‌اند. فکر کردم میز پذیرایی است. یکی برداشتم و یک جرعه نوشیدم و از نگهبان سالن پرسیدم: «شیرینی و نسکافه نمی‌آرین؟» گفت: «این میز نشست خبریه! آب رو بذار سر جاش!» من هم در بطری را بستم و گذاشتم روی میز! هرچه منتظر ماندم، کسی نیامد. گفتیم: «مطمئنی سالن اون‌وری برگزار نمی‌شه؟!» گفت: «نه، همین یه سالنه. فقط امسال کسی نمی‌آد!» گفتیم: «یعنی چی کسی نمی‌آد؟! این همه میز و صندلی و دم و دستگاه پس برای چیه؟!» گفت: «با هوش مصنوعی درمی‌آریم!» گفتیم: «مگه می‌شه؟! اینکه می‌شه سینمای مصنوعی! باید بیان بگن چرا این همه پول گرفتن و فیلم مزخرف ساختن!» گفت: «خب تحریم کردن، ما چی کار کنیم؟!» گفتیم: «چی رو تحریم کردن؟! نکنه توقع دارن با اونا هم مذاکره بشه که ما رواز تحریم دربیارن؟! البته توی سیاست، ما تحریمارودور می‌زنیم، ولی توی سینما، این دوستان تحریمارودور می‌زنن و با جاهای مختلف کار می‌کنن و کار دست همه می‌دن!» گفت: «نه این جوریا هم نیست. بالاخره هنرمندن، روی مردم حساسن!» گفتیم: «روی چی مردم حساسن؟! روی فرهنگشون اگه



افزایش نرخ ایران خودرو در سال ۱۴۰۴ از دلار سبقت گرفت؛ افزایش نرخ دلار ۶۳ درصد، افزایش نرخ ایران خودرو ۹۰ تا ۶۶ درصد!



سایا: تبریک به دوست و همراه عزیز! ایشالا به زودی از طلا هم سبقت بگیری.

ایران خودرو: بیابین، بعد می‌گن ماشینای ما خوب نیست و نمی‌تونیم از دنیا جلو بیفتیم. فعلا که دلار آمریکا رو رد کردیم، ایشالا یورو رو هم به خاک می‌مالیم.

میرسلیم: بعد می‌گن ماشین ایرانی نمی‌تونه از خارجیا سبقت بگیره.

سازمان ملل: خداوکیلی غیر سبقت توی قیمت، یه کم روی ایمنی ماشیناتون کار کنین. یه کم دیگه کشته بدین، مجبوریم ابراز نگرانی کنیم!

پزشکیان: خدا روشکر توی این زمینه تونستین دلار رو پشت سر بذارین. قطعاً کارشناساتون خوب بودن که این نتیجه حاصل شده.

پلیس راهنمایی و رانندگی: شیطان بلاها دیگه سبقت می‌گیرین فکر کردین ما حواسمون نیست؟! اگه کل خودروهای ایران خودرو رو جریمه نکردیم!

نیکلاس مادورو: همه ش دروغه. اینا نمی‌تونن سبقت بگیرن. من خودم از این خودرو سازی داشتم، اون شب هوا سرد بود، لامصب استارت نخورد و دیگه رپوده شدم.

کرمان موتور: تازه به خاطر افزایش قیمت روغن باید یه دور دیگه خودرو رو گرون کنیم.

جلیلی: متأسفانه تنهاسنعتی که نمی‌تونم براش برنامه هزافحه ای بنویسم، همین خودرو سازیه. تا می‌آم دو یست صفحه اول رو بنویسم، قیمتا تغییر می‌کنه و باید از اول شروع کنم.

صفحه ۷

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۱۶۴

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

ترامپ:

از نحوه صحبت کردن نخست‌وزیر سوئیس خوشم نیامد، تعرفه‌های کشورشان را از ۳۰ درصد به ۳۹ درصد افزایش دادم.

خبر آنلاین

یک نفر توی دست‌شویی؛
از صدای درزدن
متوالی شخص
منتظر پشت در
خوشم نیامد،
زمان فکر و
خیالاتم درباره
آینده را ۴۰ درصد
افزایش دادم.

مدیرعامل
خودروساز داخلی؛
از ایرادات
سازمان تعزیرات
و سازمان
حمایت خوشم
نیامد، سفارش
مواد اولیه از
ضایعاتی‌ها را
۶۰ درصد افزایش
دادم.

ماشین لباس‌شویی؛
از انتقادات
اعضای خانواده
به دلیل
تکان خوردن سر
جایم خوشم
نیامد، مسافتی را
که در خانه قدم
می‌زنم، بیست
متر افزایش دادم.

آبدارچی؛
از گیر دادن‌های
رئیس اداره به
آب‌زپوبودن
چای‌ها
خوشم نیامد،
دهنی کردن
لیوانش را
۶۰ درصد افزایش
دادم.

حلزون قطع نخاع شده؛
از مقایسه خودم
با اینترنت کشور
خوشم نیامد،
سرعتم را نسبت
به اینترنت
کشور ۳۰ درصد
افزایش دادم.